

داستان‌های آلساندر پوشکین

ترجمه‌ی
ناهید کاشیچی

نشر جوانه‌توس

۱۳۹۳

www.ketab.ir

پوشکین، آلكساندر سرگيويچ، ۱۷۹۹-۱۸۳۷ م.	سرشناسه:
Pushtun Aleksandr Sergeevich	عنوان و نام پدیدآور:
داستان‌های آلكساندر پوشکین - سرگيويچ، روسی ناهید کاشیچی.	مشخصات نشر:
تهران: جوانه توس، ۱۳۹۳.	مشخصات ظاهری:
۶۸۰ ص.	شابک:
978-600-5652-04-8	وضعیت فهرست‌نویسی:
فیا	موضوع:
داستان‌های کوتاه روسی -- قرن ۱۹ م.	شناسه افزوده:
کاشیچی، ناهید ، ۱۳۲۶ - ، مترجم	رده‌بندی کنگره:
PG۳۳۲۶/د۲ ۱۳۹۲	رده‌بندی دیویی:
۸۹۱/۷۳۵۰۸	شماره کتابشناسی ملی:
۳۳۵۴۹۸۷	

پوشکین می گوید:

دانش و هنر از هر سرزمینی که برخیزد و متعلق
به هر قومی که باشد، از آن همه جهانیان است.



- ☐ داستان‌های آleksander پوشکین
- ☐ ترجمه از روسی: ناهید کاشی چی
- ☐ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- ☐ چاپ اول، ۱۳۹۳
- ☐ صفحه‌آرایی: پریسا افسری
- ☐ لیتوگرافی: قاسملو
- ☐ چاپ: حیدری
- ☐ نشر جوانه توس. تلفن: ۶۶۹۷۰۶۷۷. پست الکترونیک: info@javanetbos.com

ISBN: 978-600-5652-04-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۵۲-۰۴-۸

فهرست

۷	کوتاه سخنی درباره پوشکین
۱۱	
۱۷	
۷۱	داستان‌ها هم ایوان پتروویچ بلکین
۷۳	یادداشت
۷۹	شلیک
۱۰۱	کرلاک
۱۲۳	تابوت‌ساز
۱۳۷	ناظر چاپارخانه
۱۵۷	دختر ارباب یا دختر خانم روستایی
۱۸۹	تاریخ روستای گاریوخینو
۲۱۷	رسلاولف
۲۳۷	مدبرفسکی
۳۸۹	بی بی پیک
۳۹۱	کرجالی
۴۰۱	شب‌های مصر
۴۳۱	دختر کاپیتان
۶۰۹	مسافرت به ارزروم

کوتاه سخنی درباره پوشکین

آلکساندر سرگیویچ پوشکین در ۲۶ ماه مه (۶ ژوئن) ۱۷۹۹ در مسکو به دنیا آمد. تولد پوشکین با عید پاک و هم‌چنین با روز تولد نوه تزار پاول همزمان بود. به همین جهت تولد شاعر بچه با شادی و سرور ملی مصادف گردید.

سرگی لوویچ پدر پوشکین سرگردی بازنشسته و مادرش نادژدا آسیبوا از نژاد آبراهام هانیبال امیرزاده حبیب‌الله آبراهام کودکی اسیر و به تزار پیوتر کبیر هدیه شده بود. او توانسته بود با همسرش به سرداری رسیده و جزو نزدیکان پیوتر محسوب شود.

خانواده پوشکین از نظر فرهنگ و تمدن در سطح بالی قرار داشتند. علم، هنر و ادبیات مورد توجه خاص آنها بود. خانه‌ی آن‌ها همیشه پر از مهمان بود. شاعران، نقاشان و موسیقیدانان مرتب به آنجا رفت و آمد داشتند. پدر پوشکین کتابخانه‌ی بزرگ و نفیسی از نویسندگان روس و غیر روس داشت. این کتابخانه در زندگی آتی پوشکین نقش مهمی را ایفا کرد. پوشکین هنوز کودکی بیش نبود که از طریق همین کتابخانه با سخنوران بزرگ قرن هجدهم آشنا شد. اغلب نویسندگان و شاعران برجسته آن زمان در خانه پوشکین‌ها دیده می‌شدند. آلکساندر کوچک با اشتیاق به گفتگوی آن‌ها در باب شعر و ادبیات گوش می‌کرد. واسیلی لوویچ عموی او ادبی سرشناس بود. بدین ترتیب کودکی پوشکین در محیطی ادبی سپری شد و طبیعی است که این وضعیت در پرورش علایق و تمایلات وی موثر بود.

در آن زمان خانواده‌های اشرافی روس ترجیح می‌دادند به زبان فرانسه صحبت کنند. آلکساندر زبان فرانسه را به خوبی زبان روسی می‌دانست. او حافظه‌ی خوبی داشت و بسیاری از مطالبی را که به فرانسه و روسی خوانده بود از حفظ بود.

پوشکین نه تنها با ادبیات جهان آشنا بود بلکه دایه‌اش آرینا رادیانونا که قصه‌گوی ماهری بود او را با داستان‌های ملی کشورش آشنا می‌کرد و ترانه‌های محلی را برایش می‌خواند. او قصه و ضرب‌المثل‌های زیادی بلد بود و توانسته بود توجه پوشکین را به آن‌ها جلب کرده و عشق به ادبیات فولکلوریک روس را در او به وجود بیاورد. او با آشنا ساختن آلکساندر با اشعار فولکلور روس روحیه شاعر را از او پرورش داد. پوشکین نسبت به هم‌وطنانش که با زندگی درباریان و اشراف اختلاف فاحش داشت، گفت می‌کرد. پوشکین دایه‌اش را که تا آخر عمر دوست وفادارش محسوب می‌شد بسیار دوست می‌داشت و در چند اثر خویش به نام‌های «غروب زمستان»، «دایه» و چند اثر دیگر با عشق و محبت از دایه‌اش یاد می‌کند.

مادر بزرگ پوشکین، ماریا آلکسیه‌ویچنا در تربیت او نقش داشت. او بود که خواندن و نوشتن به زبان روسی را به آلکساندر کوچک آموخت.

پوشکین هنوز نوجوانی بیش نبود که نویسنده ادبی را آغاز کرد. او در همان کودکی افسانه‌ی منظوم و شعر می‌ساخت و نامه‌ها و مایه‌نامه‌های کوچک می‌نوشت. او به اتفاق الگا خواهرش یک تئاتر خانگی درست کرده بودند. در این تئاتر آلکساندر نقش اجرا کننده و الگا نقش تماشاچی را داشت.

پوشکین نزدیک به دوازده سال داشت که والدینش تصمیم گرفتند او را تحت تعلیم و آموزش اروپایی قرار دهند و به این ترتیب موقعیت ممتاز برای او در اجتماع به دست آورند. آن‌ها مطلع شدند که در «تسارسکویه سلو» که نامتگاه تابستانی تزاران روس بود، دبیرستانی برای جوانان افتتاح شده است. در این دبیرستان دانش‌آموزان از بهترین آموزش‌ها برخوردار می‌شدند و فارغ‌التحصیلان به کارهای مهم دولتی گماشته می‌شدند. در امتحان سال ۱۸۱۵ که در حضور گاوریل درزاوین بزرگ‌ترین شاعر آن عصر برگزار می‌شد، پوشکین با خواندن

شعر خود به نام «خاطرات تسارسکویه سلو» مورد توجه خاص او قرار گرفت. در زوین ز شیدن شعر پوشکین به وجد آمد ز جا برخاست و خواست تا او را در آغوش کشد ولی آلکساندر فرار کرده و تمام روز خود را پنهان ساخت. در زوین درباره پوشکین گفت: «او همان کسی است که جای مرا خواهد گرفت.» بعدها پوشکین درباره این اولین پیروزی بزرگش چنین نوشت: «پیرمرد که دیگر چیزی بر عمرش باقی نمانده بود مرا دعای خیر کرد.»

پوشکین از همان دوران دبیرستان به عضویت انجمن ادبی آرزومانس که بر غلبه پنهانی و زائرهای منسوخ در ادبیات مبارزه می کرده، درآمد.

در سال ۱۸۱۷ پوشکین پس از پایان تحصیلات دبیرستانی در وزارت امور خارجه مشغول به کار گردید. او علاقه‌ای به این مقام و پست نداشت. به زودی او به عضویت انجمن ادبی «چراغ سبز» درآمد. این انجمن با محافل و گروه‌های زیرزمینی انقلابی ارتباط نزدیکی داشت. پوشکین را به خاطر عقاید سیاسی تا سال ۱۸۲۰ به جنوب تبعید کرد.

پوشکین در این سال‌های تبعیدی از آن در قفقاز سپری شد، تحت تأثیر ایهت و عظمت طبیعت قهرآلود قفقاز قرار گرفت و برای تحقیق درباره زندگی و معیشت کوه‌نشینان و قزاق‌های این منطقه وقت زیادی صرف کرد. او داستان «اسیر قفقاز» را در همین زمان به رشته تحریر درآورد. بعضی از آثار منظوم او در این سال‌ها عبارتند از: منظومه‌ی اسیر قفقاز، فواید پادشاه، گابریلاد، یوگنی آنگین، کولی‌ها و برادران سارق.

سال ۱۸۲۶ پوشکین به پایتخت احضار شد و به او اعلام نمودند که غنیشده شده و می‌تواند هر کجا بخواهد زندگی کند. اما در حقیقت شاعر متلافی‌السلطان تحت مراقبت شدید پلیس بود. او موظف بود که برای چاپ تألیفات و هر نوع تمام مسافرت‌هایش قبلاً معجز کسب کند. وضع روحی او طی سال‌های پس از آزادی هم‌چنان پریشان بود. بهترین دوستانش در تبعید به سر می‌بردند. مناسبات او با حکومت و اجتماع اشرافی هر سال تیره و تیره‌تر می‌شد.

در فوریه سال ۱۸۳۱ او با دختری زیبا به نام نانالیا نیکالایونا گانچارووا ازدواج

کرد. محافل اشرافی که هجویات و نیش زبان‌های پوشکین را نمی‌توانستند ندیده بگیرند با پراکنده ساختن شایعات دروغین درباره همسرش از او انتقام می‌گرفتند. تهمت‌زنان اشرافی همواره تلاش می‌کردند تا بین پوشکین و دانتس که پسرخوانده سفیر هلند و افسر گارد بود و گفته می‌شد دوستدار همسر پوشکین است، دوئلی ترتیب دهند. پوشکین که شرف خود را مورد اهانت می‌دید دانتس را به دوئل خواند. در ۲۷ ژوئیه سال ۱۸۳۷ این دوئل برگزار شد. پوشکین زخم عمیقی برداشت. پس از دو روز در تاریخ ۲۹ ژانویه (مطابق با ۱۰ فوریه تاریخ جدید) درگذشت. ماهی که خبر مرگ پوشکین منتشر شد عده کثیری گرد خانه‌اش گرد آمدند. موسیقی‌دانان تنفر و انزجار علیه دانتس جامعه را فرا گرفت. مرگ فاجعه‌آمیز شاعر محبوب روس عزای ملی شد. به دستور حکومت تابوت پوشکین مخفیانه و تحت‌الحفظ به یک کده مخائیلوفسکویه حمل و در صومعه سویاتاگورسکی به خاک سپرده شد.

پوشکین در مبارزات و افتخارات ادبی خویش در پیشروترین و مترقی‌ترین موقعیت زمان خود قرار داشت. او در سال ۱۸۳۷ کار ادبی‌اش برای رشد فرهنگ و ادبیات روس تلاش فراوان نمود. آلکساندر پوشکین به عنوان نابغه‌ی کبیر ملی برای همیشه در قلب و خاطره ملت روس باقی خواهد ماند.

پیشگفتار

درباره پوشکین و سبک او

نوشته: دمتری میرسکی^۱

پوشکین نویسنده‌ی اولیه‌ی داستان‌های منظوم روس است. او برای نخستین بار نثر ادبی را به صورت رمان‌نویسی در روسیه بنیان نهاد. نام او در طی قرون متمادی همچنان زنده مانده است. اما آوازه او در تاریخ ادبیات رمان‌نویسی با تمام جذابیت، شیرینی و جنبه‌های طنزی که او در آن‌ها جای داد، با مقامی که در نظم دارد قابل قیاس نیست. فرق عمده بین نظم و نثر او در این است که او بیش از هر چیز شاعر بود. و اشعارش را به زبان مادری می‌سرود و معیار قیاس و مرز مورد اشعارش با خود او بود. اما نثر برایش زبانی بیگانه محسوب می‌شد زیرا که در آن روزگار اشراف‌زادگان جز به زبان فرانسه صحبت نمی‌کردند و او موفق شد به کمک نثر با کوشش و جهد بر رموز این زبان بیگانه راه پیدا کرده و بر آن تسلط یابد. با کوشی حساس می‌خواست تا به لهجه پارائانسی او پی ببرد. با همه این‌ها در نثر او قید و بندهایی که از قوانین خاصی پیروی می‌کنند دیده می‌شوند که در نثر او

۱. دمتری میرسکی (۱۸۹۰-۱۹۳۶) از برجسته‌ترین مورخان و منتقدان روس است. اثر او درباره پوشکین، بهترین تفسیری است که درباره پوشکین نوشته شده است. کتاب او با عنوان «تاریخ ادبیات روس از روزگاران قدیم تا سال ۱۹۲۵» یکی از معتبرترین کتاب‌های تاریخ ادبیات روسیه به شمار می‌آید.

وجود ندارند. پوشکین بیشتر اوقات به سرودن شعر می‌پرداخت. تنها در سال ۱۸۳۰ بود که تمام وقتش به داستان‌نویسی گذشت. او از همان ابتدا می‌دانست که چه سبکی را باید دنبال کند. در سال ۱۸۲۳ در دفتر یادداشتش نوشت: «سبک ولتر^۱ می‌تواند بهترین نمونه خردمندانه باشد... دقت و کوتاه‌نویسی اولین گام برای نوشتن یک نثر خوب به شمار می‌آید. لازمه یک نثر خوب، تفکر و باز هم تفکر است. جملات پر زرق و برق عاری از اندیشه به هیچ کاری نمی‌آیند. اما شعر چیز دیگری است...»

پوشکین، حاصل تأثیرپذیری از ادبیات فرانسوی است. او را می‌توان از اولین نمایان‌کنندگان سبک ولتر دانست. نثر او آمیخته با ایجاز، روانی و سهولت، دور از هر گزافه‌گویی، ساده و روان، آراسته‌ای چشمگیر است که پیوسته به‌سوی عربانی کلام حرکت می‌کند. پوشکین سخت شیفته ولتر بود. اما گرچه نثرش از نظر سادگی و ظرافت قابل قیاس با نثر ولتر است ولی بی‌پروایی آشکار، آزادی بیان، تندزبانی و بی‌تکلفی نویسنده فرانسوی را ندارد. به‌طوری‌که باید گفت که فضای حاکم در ادبیات قرن هیجدهم کاملاً با نثر پوشکین، حتی زمانی که مانند دیگر نویسندگان هم‌عصرش تحت نفوذ والتراسکات و هوفمان قرار می‌گیرد، به‌خصوص در داستان‌هایش مشهود است.

اولین تجربه داستان‌نویسی او مربوط به رمان تاریخی «آهام پسر خوانده سیاه پیوتر کبیر می‌شود که در سال ۱۸۲۸ شروع به نوشتن آن کرد. این داستان سرگذشت جد او هانیال است که نیمه‌تمام مانده و در زمان زندگی او تنها دو بخش آن به چاپ رسید. پوشکین در دوران تبعیدش در بولسوی، موفق به نوشتن پنج داستان کوتاه شد که یک سال بعد بدون درج نام نویسنده تحت عنوان

۱. ولتر نویسنده‌ای کم‌نظیر و پرکار در نوشتن آثار کمدی، تراژدی، شعر، زندگینامه، تاریخ فلسفه، نقد ادبی، داستان، نامه‌نویسی و منظومه حماسی می‌باشد. قالبی را که او برای این سبک از ادبیات داستانی به کار برده، تا به امروز از آن پیروی می‌شود. او در اشعار و رمان‌های معروف به ویورلی‌اش به بازگویی وقایع مهیج مربوط به تاریخ وطنش پرداخته است. (ویکی‌پدیا)

داستان‌های بلکین به چاپ رسید. اگر چنین فرض کنیم که این داستان‌ها بهترین آثار و نبودند، ولی در هر حال ویژگی‌های خاص و را در بر داشتند. باید گفت که او دیگر هیچ‌گاه در هیچ یک از آثارش این چنین قوانین ساده‌نویسی، دوری جستن از زیاده‌گویی و حاشیه‌نویسی را رعایت نکرده است. داستان توسط ملاکی واضح و شهرستانی، به صورت سوم شخص، یعنی توسط راوی شرح داده می‌شود. این داستان‌ها به شکلی ساده همراه با طنزی که در زندگی روزمره جا دارد بیان شده است. ولی هنر ساده‌نویسی به معنای درست کلمه را، در بی بی پیکر پیرایه‌ها نشان می‌دهد. معصومین پوشکین با اثر او به دیدی بی‌تفاوت روبرو شدند. تنها از گفتات سالیان بسیار مجبور به اعتراف شدند که نثر او شاهکار است. شخصیت‌های بلکین که به صورتی کم‌رنگ در مقدمه کتاب گنجانده شده، تنها پس از گذشت او در داستان دهکده گاریوخینو کشف می‌شود. پر سازهای این داستان از نظر سادگی، ساده‌لوحی و جاه‌طلبی توأم با شکسته نفسی ایوان پتروویچ بلکین، از آثار سالیان پوشکین به شمار می‌آیند.

پوشکین از سال ۱۸۳۱، به بعد بیشتر پرداخت تا به نظم. در این سال سه اثر او از جمله (دختر کاپتان، و بی بی پیکر) تکمیل و منتشر شد. هم‌چنین بخش‌های متعددی از داستان‌های ناتمامش در این سال نوشته شدند که تمام آن‌ها نگهداری شده و پس از مرگش در مجموعه آثار او به چاپ رسید. به بیان این نوشته‌های ناتمام چند طرح وجود دارد که ممکن است، پیش‌نویس مبدئیی کلنوپاترا باشد. در یکی از این طرح‌ها نوشته بسیار جالبی از خصوصیات انسانی و تاریخی یافت شده است. او شاعری است که از روی تکبر اشراف‌منشانه و یا از روی ملاحظات اجتماعی نمی‌خواهد او را شاعر بدانند.

دوبرفسکی که تقریباً داستانی تمام شده است، سرگذشت راهزنی است که دزدی‌ها بش بر پایه دادخواهی و عدالت انجام می‌گیرد. اگر این داستان تمام می‌شد، یکی از بهترین رمان‌های حادثه‌ای روسیه به شمار می‌آمد. این راهزن جوانمرد به گونه‌ای هوشیارانه و به صورتی ملودرام یادآور رابین‌هود قهرمان ایده‌آل ملت‌هاست. در این سرگذشت نیز مانند دهکده گاریوخینو، هجو زیادی

گنجانده شده است. شخصیت دو فرد عالیجاه درباری، ترویه کوروف و وریسکی، این خود کامگان بی‌شرم و خودپرست، زینت بخش ادبیات روس است. تنها رمانی که در سال ۱۸۳۶ به‌طور کامل نوشته و در حیات خود پوشکین به چاپ رسید، دختر کاپیتان بود. داستان در ارتباط با شورش پوگاچوف (قیام مردم فقیر در ناحیه شرقی روسیه در سال ۱۷۷۳) است. این داستان شبیه به سبک والتر اسکات در به تصویر کشیدن و احیا کردن وقایع تاریخی قدیم است. ولی شباهتی به رمان‌های ویورلی او ندارد و از نظر حجم، از یک پنجم رمان‌های والتر اسکات کمتر است. رمان سرکازان مملو از طنزهای قابل ستایش است، مثل جایی که افسر پیر پادشاه، با ترس و سوال بردن، دوئل و رد آن می‌پرسد که دوئل به چه درد می‌خورد. قهرمانان داستان مانند چهره‌های آرام کاپیتان میروف و همسرش، چه در هنگام صلح و چه در هنگام نبرد، نیروهای شورش به‌طور ناگهانی وارد دژ می‌شوند و آن دو با از خود گذشتگی واضح تن به اعدام می‌دهند، یا ساولیچ خدمتکار صادق و در عین حال مستی از سروده‌های بارز این رمان محسوب می‌شوند.

اگر یوگنی آنگین را در نظر نگذاریم، دختر کاپیتان تنها اثر پوشکین است که اثر شگرفی بر عصرهای آتی ادبیات به‌جای گذاشته است. در آن جوهری وجود دارد که رنالیسم روسی را نشان می‌دهد. جنبه این داستان به سبکی کاملاً معمولی، همان‌طوری که یک داستان تاریخی به نظر می‌دهد نوشته شده، ولی با سادگی، طنز و عاری بودن از هرگونه پرگویی و طعنان تلست با تاراس بولبای گوگول که دو سال بعد از آن سوی ساحل‌ها سر برآورده و آن را مغلوب خود سازد. با آن‌که دختر کاپیتان داستانی تأثیرگذار به نظر می‌آید، می‌توان آن را بهترین داستان پوشکین دانست. این افتخار نصیب بی‌بی پیک که در سال ۱۸۳۴ منتشر شد، گردیده است. شرح این داستان به‌طور خلاصه غیرممکن است. داستان‌های بلکین نیز از نظر شفافیت و کامل بودن داستان اثری کامل و جالب توجه‌اند. جنبه تخیلی آن‌ها بالاتر از تمام آثار پوشکین است و از لحاظ شور و هیجان رمانتیک، بسیار به سروده «ضیافت به روزگار طاعون» و به منظومه «مبادا، خدا مرا مجنون کند» شبیه‌اند. جنبه تخیلی در بی‌بی پیک کاملاً عاری از عیب و

نقص و در قالب کلاسیک خود جای دارد. این داستان - عربی جبین و فشرده‌گی‌ش چنان است که حتی پروسیر مریمه نویسنده کوتاه‌ترین داستان‌های فرانسوی نیز جرات این که این داستان را دقیقاً همان‌طور که هست ترجمه کند نداشته و در ترجمه‌اش همه گونه شرح و بسط و توصیف را اضافه کرده است. با این اندیشه که شاید با اضافه کردن حجم آن را زیاد کند.

پوشکین در تغذیه‌نویسی نیز منحصر بفرود بود. مقالات جدی و دقیق انتقادی او و ربط‌هایش بسیار سنجیده، دقیق، صحیح، معتبر و با عبراتی روشن بیان می‌شدند. بحث‌ها را در میان دیگران که توسط او در روزنامه لیر تورنایا گازتا چاپ می‌شد، فوق‌العاده و بسیار بهتر از آن‌ها بودند. طنز تند و بجای او چنان گزنده بود که دشمنان نمی‌توانستند از آن دور برتابند. جملات تند او به بولگارین روزنامه‌نگار مزدور که در خدمت پلیس مخفی و بسیار بی‌رحمانه و قابل ستایش است. این مقالات سبب تعطیل شدن روزنامه لیر و کوره در بردن رقیب نابکار و در عین حال بانفوذ او شد. در سال ۱۸۳۲ شش ماه وقت خود را به بررسی و مطالعه تاریخ گذراند. نوشتن رمان پیوتر کبیر که به تمام ماند ولی منجر به نوشتن رمان تاریخی شورش ۱۷۷۳ بوگاچوف گردید. این شاهکار ادبیات داستانی با داستان نبرد گالی نوشته یول تزار قابل مقایسه است. نقص این رمان، در دسترس نبود مدارک لازم تاریخی بود. تصویر شخصیت پوگاچوف بر پایه اطلاعاتی بود که پوشکین در اسناد مکتوب و از خاطرات شاهدان کتاب می‌کرد. گرچه برایش مقدور نبود بسیاری از اطلاعات را که برای او بسیار ضرورت داشت کسب کند. او آن چنان در کلاسیسم قرن هیجدهم غرق بود که نمی‌توانست هیچ‌یک از جنبه حرکت توده‌ها و مبارزات طبقاتی بررسی کند. اما دید او بسیار دقیق بود و او توانسته است دلایل اجتماعی این قیام عظیم را به خوبی نشان دهد. سال ۱۸۳۳ مسافرت به ارزروم را نوشت که گزارشی از جنبه جنگ قفقاز در سال ۱۸۲۶ است. پوشکین در این اثر توانست به آخرین مرزهای فشرده‌نویسی دست یابد.